سکوت در مقابل خالص‌سازی

چـرا آن زمـان که موضوع «خالص‌سـازی» مطرح شـد نماینـدگان مجلسـی مشـابه همیـن مجلس بـه تغییرات و انتصابـات اعتراضـی نکردنـد؟ یکـی از پرحاشـیه‌ترین سیاست‌های دولت سیزدهم، طرح موسوم به «خالص‌سازی» بود؛ سیاسـتی که از همان ابتدا با شـعار پاک‌سـازی بدنه اجرایـی کشـور از نیروهای به‌زعـم آنان «غیروابسـته» آغاز شـد، اما در عمل به حذف گسـترده کارشناسان و نیروهای متخصصی انجامید که سـال‌ها در نظام اداری کشور تجربه و کارنامـه داشـتند. خالص‌سـازی نه بر اسـاس معیارهای کارشناسـی، بلکه بر مبنای وابسـتگی جناحی و سیاسـی پیش رفت. مدیران باسـابقه کنار گذاشته شدند و جای آنان را افـرادی گرفتند که صرفاً با عنـوان «انقلابی‌گری» معرفی شـدند. در ایـن روند، نـه توانمنـدی حرفه‌ای مـلاک قرار گرفت و نه نیاز واقعی دسـتگاه‌ها. نتیجه آن شد که به جای ارتقای کیفیت و کارآمدی، شـاهد انباشـته شدن نیروهای بعضاً ناکارآمد در دسـتگاه‌های اجرایی بودیم؛ نیروهایی که بیشـتر با وفاداری جناحی سنجیده می‌شدند تا با تخصص و تعهد کاری. این سیاسـت عملاً به شـکاف عمیق در نظام اداری کشور دامن زد. نیروهای متخصصی که حذف شدند، سـرمایه‌های انسـانی ارزشـمندی بودند و می‌توانستند با تجربه و دانش خود در شرایط بحرانی اقتصادی و اجتماعی یاری‌رسـان دولت باشند. از سـوی دیگر، نیروهای تازه‌وارد اغلب فاقد مهارت‌های لازم برای اداره دستگاه‌های پیچیده اجرایـی بودنـد و همین امـر باعث افزایش آزمـون و خطا و کنـدی روند تصمیم‌گیری و تحمیـل هزینه‌های مضاعف به دولت شد. با این حال این خالص‌سازی‌ها انجام شد. اکنون کـه تبعات این سیاسـت بر جا مانده، روشـن‌تر از همیشـه می‌توان دید که خالص‌سـازی نه‌تنها به اهداف ادعایی‌اش نرسـید، بلکه بخش بزرگی از سرمایه انسـانی کشور را هدر داد و نظـام اداری را گرفتـار بحران اعتمـاد و کارآمدی کرد. با ایـن وجود برخی از نماینـدگان در پی آن‌اند کـه افراد به قول خودشان «انقلابی» که یکشـبه وارد دولت شدند باقی بمانند و در این راستا حاضرند با رایزنی (که قالیباف گفت به دلیل غیرقانونی بودن بی‌نتیجه مانده) از اهمیت رای دیوان عدالت نیز بکاهند.

وزیر کشور خواستار لغو طرح اخراج برخی کارمندان شد

در موضـوع اخـراج کارمندانـی کـه بـدون ضابطه و غیرقانونی در دولت سـیزدهم اسـتخدام شده بودند، انگشـت اتهام نمایندگان مجلس، وزیر کشور را نشانه گرفت. با وجود آن که اسـتیضاح وزیر کشور در دستور کار قرار ندارد اما به قول برخی از نمایندگان، نام اسکندر مومنی باعث خوشحالی بسیاری از اصولگرایان به‌ویژه نمایندگان مجلس شده اسـت و حالا او پرچمدار این تصمیم اسـت. البته طی هفته گذشـته و پس از این اعتراضات مومنی تصمیم گرفته که برخی از کارمندان را حفظ کند. به‌همین سبب پنجشنبه ۶ شهریور خبری منتشر شد مبنی بر اینکه اسکندر مومنی، وزیر کشور طی نامه‌ای به رئیس دیوان اداری کشور، خواستار لغو طـرح اخراج برخی از کارمندان جذب‌شـده در دولت قبل شده اسـت. در دولت شهید رئیسـی مقرر شده بود که بر اسـاس طـرح زین‌الدین، نیروهـای جوان و تحصیل‌کرده در سمت‌های مختلف جذب شده و به کار گرفته شوند. در قالب این طرح ۳۱۰ نفر هم‌اکنون در استانداری‌ها مشغول به کار هستند.

محمدمهدی شهریاری نماینده بجنورد، جاجرم و سملقان:

این اقدام دولت باید مورد حمایت انقلابی‌ها هم قرار گیرد

برخـی از نمایندگان بـا «انقلابی خوانـدن» ۴ هزار نفر کـه به صورت غیرقانونی اسـتخدام شـده بودند سـعی داشـتند که از خروج آنها از دولـت جلوگیری کنند. اما دیـوان عدالـت اداری از رای خود مبنی بر اخراج آنها صرف‌نظر نکرد. در این خصوص محمدمهدی شـهریاری، نماینـده بجنـورد، جاجـرم و سـملقان و عضـو کمیسـیون تدویـن آیین‌نامه داخلی مجلس با هم‌میهـن به گفت‌وگو پرداخت که در زیر آمده است:

ارزیابی شما از درخواست برخی از نمایندگان مبنی بر ماندن ۴ هزار نفر کـه به صورت غیرقانونی در دولت سـیزدهم اسـتخدام شـدند چیست؟

آنهـا انتظار دارند به آنها پیشـنهاد دهند و بگویند شـما تصمیم بگیرید که هر کسـی از نظرشـان جهادی، انقلابی و حزب‌اللهی نیستند اخراج شود و آنهایـی کـه مدنظر دارنـد را وارد دولت کنند. همه چیـز را یکطرفه کنند کـه نیازی به اسـتخدام، آزمون و... نباشـد. ما راضی هسـتیم که همه را اخراج کنند و انقلابیون را جای آنها بگذارند. باید پرسـید چون آنها همفکر شـما هسـتند متخصص هم هسـتند؟ چرا برای آنها تبعیض قائل شدند؟ در دولـت آقـای روحانی که من اسـتاندار بودم قـرار بود بـرای ۵۰ نفر از بچه‌های سـتادی او استخدام شـوند؛ آن‌هم از طریق گرفتن کدکارمندی. اما وقتی این موضوع مطرح شـد در درون دولت به آن اعتراض شـد و این برنامه حذف شـد و کسی اسـتخدام نشـد. حالا این ۴ هزار نفر از افرادی هسـتند که مدیران و مسـئولان آورده‌اند و شـاید با دیپلم مشاور شده‌اند و آنها از سـتاد، همفکران و اطرافیان خودشـان بودنـد. آنها که با گرفتن کد وزیر، بخشـدار، اسـتاندار، فرماندار، مدیرکل و... شده‌اند جزو این ۴ هزار نفر نیسـتند. اگـر با آنها بخواهیم حسـاب کنیـم حدود ۴ تـا ۵ هزار نفر دیگر اضافه می‌شـود. نمی‌شود هر کسی را سـلیقه‌ای و بدون آزمون وارد دولت کرد. این تبعیض و ظلمی اسـت که قابل بخشش نیست و متاسفانه مردم همیـن بی‌عدالتی‌هـا را می‌بینند کـه ناراضی می‌شـوند چون این خیانت اسـت به آنها و کشـور و نخبه‌هایی که با نمرات «الف» از دانشـگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، بیکار هستند. من نمی‌دانم بعضی از نمایندگان چطور می‌خواهند در آخـرت جواب مردم را بدهند. یکی از وظایف مجلس نظارت بر دستگاه‌هاسـت و باید با این تخلفات برخورد کند نه اینکه از آن حمایت کنند. به نظر من شـورای نگهبان بایـد این نمایندگانی که از بی‌عدالتی و خلاف قانون حمایت می‌کنند را در دور بعدی ردصلاحیت کند. متاسفانه این اقدام زشـت و ناپسند (استخدام افراد براساس سلیقه) عادی شده اما باید با آن برخورد شـود. امکان دارد که اسـتاندار و فرماندار یک نیـروی متخصص نیاز دارد و فردی هم در آن حیطه تجربه خوبی دارد اما شرکتی اسـت، برای آن پست درخواست کد استخدامی کند. سازمان اداری اسـتخدامی براساس قوانین اگر مجال آن وجود داشـته باشد، کد استخدامی بـه او بدهد. نـه اینکـه افرادی بـه خاطر رای، اسـم انقلابی، جهادی و حزب‌اللهی را هـم که خراب می‌کننـد، مانور بدهند کـه ما انقلابی هسـتیم و دیگـران نه. آقـای قالیباف در این خصوص جواب درسـتی داد و من از دیـوان عدالت اداری تشکر می‌کنم که به‌رغم فشارهای سیاسی موجود در هیئت عمومی و... این رای درست را داد.

ورود نمایندگان به حذف یا اخراج این افراد در دولت، اصل تفکیک قوا را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد؟

آنهـا اعلام می‌کنند؛ «ما به عنـوان ناظر به این موضـوع ورود پیدا کردیم و چـون تخلف شـده اسـت» در حالـی که تخلـف در مرحلـه اول (یعنی زمان اسـتخدام این افراد) انجام شـده اسـت. مـن در این مـورد با آقای حاجی‌دلیگانی صحبت کردم که اصلاً نگاه به من نکرد، چون می‌دانسـت حمایت بی‌ربطی کرده اسـت. آقای سـلیمی هم گفت: «در بین آنها افراد خوب و با سـوادی هم هستند.» خب اگر باسواد و خوب هستند در آزمون استخدامی شرکت کنند و وارد دولت شوند. اگر می‌خواهند به آنها امتیازی اعطا کنند، ۵درصد برای حزب‌اللهی بودن به این افراد بدهند.

ایـن موضع نمایندگان چقدر می‌تواند دولت را از تخصص‌گرایی دور کند و مسیر توسعه کشور را تغییر دهد؟

متاسفانه در سال‌های اخیر خیلی شاهد این دست اقدامات بودیم و افرادی استخدام شدند که بدون رعایت قانون بوده است. قطعاً ضربه‌های زیادی به مدیریت و توسعه کشور وارد شده است. اکثر مدیران ما فاکتورهای مدیریت را ندارند اما اینطور اسـتخدام شـدند و پله‌های ترقی را طی کردند. حضور این افراد در دولت باعث شـده ابتکار عمل جدیدی در دولت به خرج داده نشود و بسیاری از مشکلات و مسائل به دلیل آزمون و خطاهای آنهاست.

با توجه به این که نمایندگان مخالف اخراج این ۴ هزار نیروی انقلابی اعلام کردند: «بیشـتر آنها زیر نظر وزارت کشور هستند» به نظر شما آقای اسکندر مومنی توانسته وزارت کشور را به خوبی اداره کند؟

آقـای مومنی نیز ماننـد وزرای دیگر؛ هم ایراداتی و هم نکات مثبت بسـیاری دارد. با توجه به شـخصیت خاصی که ایشـان دارد به نظرم جزو وزرای نسـبتاً موفق دولت بوده اسـت. یکی از نکات مثبت آقای مومنی انقلابی بودن است و تاکنـون هیچ‌یک از اصولگراهـای تندرو نگفته که آقـای مومنی غیرانقلابی اسـت. شاید انتخاب ایشـان مورد انتقاد اصلاح‌طلبان بود و توقع داشتند فرد دیگری وزیر کشور شود، اما اصولگرایان بشکن می‌زدند و خوشحال بودند. حالا آقای مومنی با یک تخلف برخورد کرده اسـت، اینجا نشان می‌دهد که منافع جمعی چقدر مهم است. یعنی حاضرند آقای مومنی این تخلـف را انجام دهد. به نظر من برخورد با این اسـتخدام‌ها کار بزرگی اسـت که آقـای مومنی انجام داده اسـت. البته استخدام‌ها تنها در فرمانداری‌ها و استانداری‌ها نبوده بلکه در بسـیاری از سازمان‌های دیگر هم بودند. البته من یادم هست که دیوان عدالت اداری حتی با رئیس سازمان امور اداری اسـتخدامی کشـور برخورد کرد و انتصاب ایشان را غیرقانونی اعلام کرد. متاسـفانه در دولت قبل این اتفاقات زیـاد رخ داد و بسـیاری را از بنیادهـا و کمیته‌های خاص به دولت آوردند و پست‌های آنچنانی به آنها دادند در حالی که تجربه‌ای نداشـتند و در عدم موفقیـت دولت آقای رئیسـی نیز نقش پررنگ و بسـزایی داشتند. به نظرم اقدام آقای مومنی کاملاً اصولی بود و بایـد مورد حمایت افرادی کـه ادعای انقلابی‌گری دارند هم قرار گیرد.

هم روش خود را داشته باشد و روی ریل و سیاستی که مجلس بنا نهاده حرکت کند. مجلـس نظارت دارد که مبادا دولت از ریل خارج شـود. اگر دولت از ریل خود خارج شـود، قوه قضائیه وارد می‌شود و اختلاف بین مجلس و دولت را بررسـی می‌کند. در واقع وقتی منافع جمعی به خطر می‌افتد، یک جا باید احقاق حق شـود که کمیسـیون اصل ۹۰ که بخشی از مجلس است یکی از این نقاط است. بنابراین معنای این حرکت مجلس دخالت در اجرا نیست. اما اگر نماینده‌ای فردی را برای انتصاب در یک پست معرفی کند، دخالت محسوب می‌شود.

انتقـاد به حـذف در سـطوح مختلف همـواره وجود داشـته اسـت؛ مثلاً در دولت قبل انتقاد بـه این حذف‌ها با عنوان انتقاد به «خالص‌سـازی» مطرح شـد به ویژه آنکه در سایر نهادهایی که زیرمجموعـه دولت نبود هـم همزمان در حال وقـوع بود، به هر حال هر دولت نیاز دارد برای تحقق اهدافش نیروهای همسـو با اهـداف و نظرات خود را به‌ویژه در حوزه مدیریتی روی کار بیاورد. به نظر شما دولت چگونه باید هم مانع از خالص‌سازی شود و هم نیروهای موردنیازش برای تحقق اهدافش را داشته باشد؟

در هـر اداره و ارگانی طبیعتاً افرادی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. دولت هم شایسته‌سـالاری را می‌خواهد. دولت تا سـطح مدیـرکل نیازی به نیروی همسـو ندارد و نیروی انسانی باید فعالیت خود را طبق برنامه و روال انجام دهد. در این میان نیاز اسـت که افراد مرتب عوض شـوند. وقتـی دولت جدید شـروع به کار می‌کند، روح نویـی در کالبد جامعه دمیده می‌شـود. افـراد قبلی به صندلی چسـبیده‌اند و راه‌های فرار و دور زدن قانون را بلد هسـتند. گاهی هم دچار مشکل رشوه می‌شوند. بنابراین بهتر اسـت دولـت هرازچندگاهی افراد را عـوض کند و خون جدیدی به بخش‌های مختلف یـک اداره تزریق کند تا مدیرکل جدید با برنامه جدید شـروع بـه کار کند. افراد جدید در پی آن هسـتند که بگویند ما نـوآوری می‌کنیم. گاهی هم نمی‌تواند اما هدف پیشـرفت است نه ایسـتایی. اما باید روی کار آنها نظارت کرد که مشکلی ایجاد نشـود. به عنوان مثـال برخی با من تماس می‌گیرنـد و می‌گویند، در ادارات جهاد کشـاورزی مدیران جدید هم همان روش و رویه گذشـته را در پیش گرفته‌اند و تنها نوع لباس و پوشـش آنها تغییر کرده اسـت. زیرمیزی و عبور و... شاید وجود داشته باشد. دولت باید در استان‌ها از نیروهایی اسـتفاده کند که دلشان برای دولت و کشور بسوزد اما نباید خالص‌سازی انجام شود چون نخبگان زیادی از دولت خارج می‌شوند و افرادی جای آنها را می‌گیرند که با چاپلوسی دولت جدید می‌خواهند بگویند مـا خیلی تلاش کردیم که شـما روی کار بیاییـد. حالا معلوم نیست واقعاً این پخمه اسـت یا نخبه. اما تا جایی که یاد می‌آید دولت قبل خالص‌سازی زیادی کرد.

به دلیل اینکه گفته شد بیشـتر این ۴ هزار نفر در زیرمجموعه وزارت کشور فعالیت داشتند، شما عملکرد آقای مومنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقـای مومنی مرد خـوب و آرامی اسـت. اما بروز و ظهور وزیر کشـور را ندارد. با وجود آنکه علوم سیاسـی خوانده اما سابقه نظامی او بر سابقه سیاسـی‌اش می‌چربد. یکـی از توصیه‌های مقام معظـم رهبری و امام راحل این اسـت؛ «نظامیان وارد سیاست نشـوند و بهتر است که حتی در اقتصـاد هم دخالت نکنند.» چون از کارکرد اصلی خود باز می‌مانند و جامعه دچار گسـل می‌شـود. در هر صورت من ایشـان را آدم موفقی می‌دانـم اما بروز و ظهوری نداشـته شـاید هـم به این دلیل اسـت که استانداران را خودش انتخاب نمی‌کند و ریاست‌جمهوری افراد را برای او دیکته می‌کند. من در پروسه انتخاب استانداران و فرمانداران خیلی وارد نشـدم. اما روی هم رفته فرد مثبتی است. البته این حمله اسرائیل ضرر و زیان بسیاری از این بابت رسانده است. یکی از دلایلی که استیضاح‌ها اعلام وصول نمی‌شود، مسئله جنگ و تبعات بعدی آن است.

یعنی احتمال استیضاح وزیر کشور هم مطرح شده است؟

نـه من این موضوع را ندیدم. تاکنون اسـتیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین وزیر نیرو و راه و شهرسـازی مطرح شده امضاهای زیادی هم جمع شده اما به دلیل جنگ اعلام وصول نشد.

موضع سیاستمدار

راهی جز مذاکره وجود ندارد

اسـحاق جهانگیـری طـی سـخنانی در جمع تعـدادی از فعالان بخـش خصوصی عضو اتاق بازرگانی، صنایـع و معادن تهـران گفت: «بعد از جنگـی که بر ما تحمیل شـد، اکنون کشـور وضعیتی دارد که خطیر، پیچیده، سیّال، در هم تنیده، تهدیدزا و نیز فرصت‌زا بودن از ویژگی‌های آن است که باید به صورت جدی به آن بپردازیم. گام نخست فهم درست از این شرایط و موقعیتی اسـت که هم نظام حکمرانی باید فهم درسـتی داشـته باشـد که ما در چه شـرایطی هستیم و چه اتفاقی افتـاده و چه اتفاقی در آینده ممکن است بیفتد و هم جامعه مدنی، جامعه سیاسی، نخبگان و بخـش خصوصی ایـران باید به فهم مشـترک و درسـتی از این شـرایط برسـند و به گفت‌وگویی بپردازیم که به سرنوشت همه مردم ایـران بسـتگی دارد. یعنی باید بـا گفت‌وگو با همدیگر خطـر را دور و با تصمیم‌های صحیح و اقدامات ملی از این مرحله عبور کنیم.»

او در خصـوص درس‌ها و مؤلفه‌های اساسـی جنـگ تحمیلـی ۱۲ روزه تصریح کـرد: «اولین موضـوع مقاومت میهنی و انسـجام ملی بود که اتفـاق افتـاد. در تاریخ ایـران مکرراً گفته شـده اسـت که تمدن و فرهنگ ایران طوری اسـت که مردم در مقابل تهاجم خارجی از کشورشان دفاع می‌کنند. ولی در سـال‌های اخیـر این زمزمه‌ها می‌شـد که این قدر مشـکلات زیاد است و مردم خسته شـده‌اند که راضی هسـتند دشمن کار را تمام کند. مردم ایران بر همه اینها مهر باطل زدند. دومین مسئله مهم تصمیم‌گیری به‌موقع و درست بود. خیلی از چالش‌هایی کـه امروز با آنها درگیر هسـتیم و به عنوان نقاط منفی مهم از آنها اسـم می‌بریم، نتیجه تصمیم نگرفتن به‌موقع و صحیح بوده است. در این وضع آب، برق، گاز و تنش‌هایی کـه در فضای داخلـی و خارجی داریـم، وظیفه مسئولین این اسـت که تصمیم به‌موقع و درست بگیرند تا از مشکل عبور کنیم.» جهانگیری ادامه داد: «سـومین موضوعی که کمتر گفته می‌شود و به نظر من خیلی تعیین‌کننده اسـت، مسـئله کاربرد تکنولوژی مدرن در جنگ اسـت. الان ما هم جنگ اوکراین را شـاهد هسـتیم که روسیه با غرب است و هم جنگ اسرائیل با ایران و از قدیم می‌گفتند که جنگ با اسرائیل به معنای جنگ با غرب و ناتو است. یعنی جنگ با اسرائیل اینطوری نیسـت که جنگ با کشـوری چندمیلیونی که در فاصله دوری از ما قرار گرفته است؛ کل تکنولوژی مدرن غـرب در این جنگ‌ها به کار گرفته شـده اسـت. چهارمین مسـئله‌ای که از ایـن جنگ و پسـاجنگ باید یـاد گرفت این اسـت که «قدرت اقتصـادی در کنـار قدرت نظامـی تعیین‌کننده است». تأثیر جنگ فقط در میدان نبرد نیست. آثار اصلی و پیامد عمیق و گسترده جنگ بر مسائل و ساختارهای اقتصادی سیاسی و اجتماعی است که بعداً معلوم می‌شود که بر تولید، زنجیره تأمین تولید و محصـول و همچنین روی اقتصاد کلان، بازار سرمایه، کاهش ارزش پول ملی، تورم و رکود اقتصادی چه تأثیری می‌گذارد. اینها بحث‌هایی هستند که به صورت جدی باید پرداخته شود.»

جهانگیری با تأکید بر اینکه مردم انتظار دارند که حاکمیت سـایه جنـگ را از کشـور دور کند، گفت: «مسئولیت جنگ و صلح طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر عهده رهبری است. با شناختی که من دارم، ایشـان ضدجنگ هستند و پرهیز از جنگ یکی از سیاسـت‌های قطعی بوده الان هم سایه جنگ باید از پیش روی کشور برداشته شود. این وظیفه حاکمیت است. ما دیپلمات‌های قوی داریم، راهی جز مذاکره وجود ندارد. کسـانی که مذاکره را رد می‌کنند چه چیزی جایگزین دارند؟! باید با قدرت و تیم قوی مذاکره کرد.» معاون اول رئیس‌جمهور در دولت‌هـای یازدهم و دوازدهم با بیان اینکه وقتی به مذاکره می‌رویم باید با دست پر رفـت، گفت: «همه کشـورهای دنیـا -حتی آنهایـی که جنگ می‌کننـد- با هـم مذاکره هم می‌کنند. البته این نکته مهمی است که در دوران مذاکره باید کشـور به نحوی اداره شود که قدرت تاب‌وری جامعه بالا رود و شـاخص‌های سیاسی و اجتماعـی و اقتصادی وضع بهتـری که بیانگر قدرت کشور باشد، نشان دهد. کشور ایران کشور ثروتمنـدی اسـت و ما خوب نتوانسـتیم از ثروت ایران استفاده کنیم.»